

ادامه بحران و وضع جنبش چپ

طوری‌که همه میدانند بعد از پنج سال تبلیغات بی بنیاد و میان تهی در مورد دموکراسی در افغانستان هنوز هم جامعه در بحران عمیق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دست و پا میزند.

ارگانهای بالایی حکومت با سوء استفاده از انارشی بی سیاسی - امنیتی که خود ایجاد کرده اند مصروف عیاشی، زر اندوزی و روز گذرانی بوده، هیچ ساختار با اعتبار اداری - سیاسی و حقوقی وجود ندارد که به اساسی ترین خواست نیازمندان پاسخ قانع کننده ارائه نماید. در حالیکه وضع اقتصادی کشور با گذشت هر روز بحرانی تر میگردد، بخش های معادن و صنایع و سکتور ساختمانی در اختیار نهاد های مافیایی قرار داده شده است. کشاورزانی که طی قرون متمادی حیات بخش شاهرگ های اقتصادی کشور بوده اند از دیر زمانی بدینسو نقش نیروهای مولده مواد مخدر را ایفاء میکنند.

آنهایی هم که با درک احساس مسئولیت میهنی میخواهند دوباره به زرع حبوبات عنعنوی باز گردند با سبوتاژ و کار شکنی بی عناصر مافیایی در اداره های محلی حکومت جهادی - اسلامی مواجه گردیده مجبور ساخته میشوند تا به زرع خاش خاش ادامه دهند.

فقر و تهیدستی در جامعه بیداد میکند، حقوق زنان و کودکان با خشونت تمام زیر پا میشوند، زنان را هنوز هم مانند دوران بربریت قرون وسطی بی خرید و فروش میکنند، دختران جوان که اجباراً به شوهر داده (فروخته) میشوند وقتی خود را به جای عروس در موقف برده میبینند و چاره هم برای نجات ندارند دست به خود سوزی میزنند. کودکان مجبوراند به عوض رفتن به مکتب حمالی کنند و یا در کوچه ها دست به گدایی زنند.

جوانان را بی سرنوشتی ، محرومیت از آموزش و تحصیل ، آواره گی ، بیکاری همیشگی و اعتیاد به مواد مخدر تهدید میکند . حتی بیشترین جوانانی که با قبول زحمت های فراوان مکتب را به پایان میرسانند امکان ورود به همان موسسه های دارای کیفیت پایین آموزشی یعنی پوهنتون های موجود را ندارند، بلکه تنها فرزندان مامورین عالیرتبه دولتی و سردمداران جهادی اند که در داخل و خارج به تحصیل میپردازند. نیروهای نظامی خارجی که تامین امنیت را در کشور هدف قرار داده بودند خود به عامل عمده بی ثباتی و بی امنیتی مبدل شده اند. از موجودیت آنها در شمال کشور جنگسالاران و قاچاقچیان جهادی بهره میبرند و در جنوب به بهانه درگیری با طالبان انسانهای بی گناه را می کشند و چاره هم برای بیرون رفت از بن بست کنونی ندارند.

دولت پاکستان مانند گذشته در تلاش است از این بی ثباتی مزمن در کشور سود جویی نموده با حامد کرزی و اطرافیانش بازی موش و گربه را انجام دهند .

آنچه در بالا گفتم تصویری نهایت کوچکی از وضع نا هنجار و نا به سامان وطن ماست که هر روشن اندیش ، دموکرات و چپ نگر را به تفکر وا میدارد. طوریکه حوادث نشان میدهد یکی از دلایل عمده بی ثباتی در افغانستان نبود تکیه گاه مطمئن سیاسی برای توده های زحمتکش است که بیشتر از همه رنج میبرند و قربانی میدهند.

به پندار نگارنده چاره دیگری وجود ندارد جز اینکه نیروهای چپ دموکراتیک سوای دشواری های فکری و سازمانی که در حال حاضر دامنگیر آنهاست دست به کار شده نهضت و یا حزب سراسری چپ دموکراتیک را به مقصد بیرون رفت از بحران کنونی ایجاد نمایند.

با تأسف وضعیت کنونی نیرو های چپ افغانستان سیمای نوید بخشی را که بیانگر یک حرکت جدی در این راستا باشد متبازر نمی سازد.

جزایری که از بازمانده گان ح.د.خ.ا. قد بلند کرده اند و در اینجا هم صحبت بیشتر در مورد آنهاست ، در بستر وسیعی از تفکر های مختلف سیاسی شنا میکنند . بخش اعظم

این جزایر راه خود را از چپ اندیشی و رفتن به سوی دفاع قاطع از منافع زحمتکشان جدا ساخته و به مکتب سیاسی دیگر پیوسته اند.

در این باره می‌خواهم اشاره مختصری داشته باشم:

به هیچوجه قصد ندارم تفرقه افگنی کنم و یا به کسی بی حرمتی نمایم ، گرچه آقای بنام حسابی (نمیدانم اصل است یا مستعار) در «پا صفحه» «گروه فشار» مربوط به سایت اخبار افغانستان این اتهام را وارد ساخته و به بنده بزدل خطاب کرده است اما اعتنایی به آن ندارم و به بحث خود ادامه میدهم ، چون جواب ... خاموشی است.

به این ترتیب جزایر بازمانده از ح.د.خ.ا را به نظر من میتوان به شاخه های ذیل تقسیم کرد:

۱- گروه‌های که مشی ملی‌گرایی و در بسی موارد ملیتی - قبایلی اختیار کرده با استفاده از شعار های ملی ، وحدت ملی ، غورزنگ ملی و غیره میخواهند انعکاس دهنده منافع قومی ، زبانی و قبیله‌یی خویش در زنده گی سیاسی جامعه باشند. برنامه سیاسی این گروه ها مشابهت های فراوانی با سازمان «افغان ملت» دارد. طور مثال گروه‌های مربوط به شه‌نواز تنی ، عبدالرشید جلیلی و برخی دیگر را میتوان به این کتگوری منسوب دانست. این ها برای همیشه خانواده چپ اندیشان کشور را ترک کرده اند.

۲- گروه ها و سازمانهای که طرح اعمار جامعه دموکراتیک با اقتصاد بازار آزاد را که در شرایط کنونی افغانستان باعث بروز اقتصاد مافیایی شده است پیش کش نموده و در اصول مرامی خود از «ناسیونالیزم افغانی» و اندیشه های لیبرالی با الهام از دموکراسی امریکایی پیروی میکنند، به همین دلیل توسط مؤسسات امریکایی از قبیل انستیتوت دموکراتیک ملی (NDI) که مدالین البرایت وزیر خارجه اسبق امریکا مسوولیت اداره آنرا دارد حمایت مالی میشوند. این سازمانها و گروه ها کمترین تمایلی به حل بنیادی دشواری های حاکم در زنده گی یی رقت بار توده

های ملیونی مردم نداشته صرفاً میخواهند از راه نفوذ در ساختارهای نظام پوشالی موجود به ویرایش آن پردازند و نام و نشانی برای خود کمایی کنند.

سازمانهای چون حزب متحد ملی و تعداد دیگری که در پارلمان جهادی - طالبی نماینده دارند از این قبیل اند. چون اینها هدف اعمار جامعه سرمایه داری بی نوع امریکای را دنبال میکنند، چه نامیدن شان اشتباه بزرگ سیاسی است.

۳- سازمانها و گروههای که خود را چپ دموکراتیک مینامند و مدعی دفاع از منافع زحمتکشان اند اما در عمل کرد خویش پیروی از جهانبینی زحمتکشان را رد نموده میخواهند از مارکسیست ها تا روشنفکران دینی - جهادی و حامیان سرماییداری مبتنی بر بازار آزاد را در یک تشکل واحد سیاسی گردهم آورند. گرچه در برنامه این سازمانها عناصری از چپ دموکراتیک به ملاحظه میرسد و شماری از افراد معتقد به آرمانهای زحمتکشان را هم در صفوف خویش دارند اما بنابر عدم تسلط کامل اندیشه های چپ در فعالیت سیاسی آنها و اینکه به هر درو دیوار سیاسی دست و پا میزنند نمیتوانند ممثل واقعی چپ دموکراتیک محسوب گردند.

حلقه های رهبری این سازمان ها افرادی را در خود جا داده اند که آلوده با معامله گری های دوران حاکمیت بوده با وجود سپری شدن سالهای طولانی نتوانسته اند از گذشته درس عبرت بگیرند و خود را از قید افکار انحرافی رها سازند. چون اینها هنوز هم در جستجوی معامله با جنایتکاران جهادی اند نمیتوانند ضمانت گر سلامت سیاسی سازمانهای خویش و هدایت آنها در مسیر سالم چپ دموکراتیک باشند، از جانب دیگر برخی مبلغین این سازمانها دست و پا زدن به هر درو دیوار را پلورالیزم سیاسی عنوان میکنند. پلورالیزم سیاسی به گونه ای که آنها میگویند میتواند تنها در یک نظام سیاسی مرعی الاجرا باشد نه در یک سازمان واحد سیاسی، زیرا پیروان اندیشه واحد و یا همسو اند که میتوانند یک سازمان سیاسی را ایجاد کنند. چطور ممکن است که سکولاریزم و شرع اسلامی را در یک قالب سیاسی جا بجا ساخت؟ اگر اعضای این سازمانها اصلاحاتی در اصول مرامی

خویش وارد کرده و افراد معامله گر و منحرف را از حلقات رهبری شان دور سازند
میتوانند ماهیت چپ دموکراتیک کسب نمایند. ولی در وضعیتی که همین اکنون
هستند بیشتر ظاهر ملی - دموکراتیک دارند تا ماهیت چپ دموکراتیک .

نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان نمونه از این گونه سازمانها است.

۴- در میان اعضای سابق ح.د.خ.ا هستند فراوان افرادی که تعهد و وفاداری خویش را
به آرمانهای والای انسان زحمتکش و آمارنهای آغازین ح.د.خ.ا حفظ نموده سعی
میورزند تا تشکل سیاسی زحمتکشان را در وجودی یک سازمان چپ دموکراتیک
اساس گذاری کنند. به نظر بنده طوریکه در اظهار نظر قبلی ام بیان داشه ام ایجاد
نهضت آینده افغانستان محصول چنین تلاش ها بوده و میتواند سنگ بنای
مناسبی برای بسیج هم اندیشان در جهت ایجاد یک حزب چپ دموکراتیک
محسوب گردد.

این نهضت را با دیگر حرکت های که خود را چپ مینامند این مساله متمایز
میسازد که برنامه اش تعریف مشخص تری از موازین چپ اندیشی ارائه داشته
هرگونه معامله با آرمانهای انسان زحمت کش را مردود می شمارد . گرچه نهضت
آینده افغانستان با وجود اینکه از دیگر سازمانهای برون آمده از بدنه یی حزب
سابق دموکراتیک خلق افغانستان پیش قدم و سابقه دار تر است اما تا هنوز مؤفق
نگردیده هزارانی را که یا اعتماد به از سرگیری مبارزه سیاسی را از دست داده
اند ، یا در گروپهای کوچک و یا بطور مستقل فعالیت دارند ولی با مسایل مطروحه
در برنامه نهضت آینده یکسان می اندیشند به دور خویش بسیج نماید تا توانسته
باشد راه را برای ایجاد یک حزب سراسری چپ دموکراتیک کوتاه تر سازد. با آنهم
نگارنده اساسگذاری نهضت آینده افغانستان را یک آغاز نیک میداند.

۵- گروههای کوچکی مانند کمیته حزبی های سابق در هامبورگ، کمیته انسجام
اعضای ح.د.خ.ا در دنمارک ، تشکیلات موقت اعضای حزب وطن و برخی دیگر هم

در صحنه حضور دارند که اگر به احزاب و سازمانهای همسو نه پیوندند با کمیت موجود و اهدافی که دنبال میکنند تنها خواهند ماند.

برای رفع سوء تفاهم تاکید مینمایم که نه ادعای تخصص در حزب شناسی را دارم و نه صلاحیت صدور رهنمود را ، بلکه با این نگارش مختصر خواستم نظر خودم را در رابطه ابراز کنم، بر علاوه چون به اصول دموکراسی عقیده مند ام هیچگونه مخالفتی با موجودیت احزاب سیاسی که پیرو دیدگاه ها و برنامه های متفاوت اند ندارم. آرزوی من و خواست صداقت سیاسی این است که این احزاب ، نهضت ها و گروه ها باید در فعالیت خویش مطابقت شکل و محتوا را صریحاً تبارز داده ماهیت سیاسی خود را روشن و اشکار بیان نمایند نه مانند «افغان ملت» که یک سازمان شوونیستی و نفاق افگن است ولی خود را حزب سوسیال دموکرات معرفی میکند. طور مثال اگر حزب متحد ملی به ماهیت ملی - لیبرالی و نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی به ماهیت ملی - دموکراتیک خویش علناً معترف باشند مشکلی وجود ندارد و لی اگر آنها خود را چپ دموکراتیک مینامند به نظر من عوام فریبی میکنند.

چه باید کرد؟

طوریکه در مقدمه عارض شدم کشور ما و زحمتکشان آغشته در رنج و عذاب آن زنده گی طاقت فرسا و مشقت باری را متحمل میشوند که نبود یک الترناتیف سیاسی با پایه های مردمی نیز باعث تداوم این وضعیت اسفناک گردیده است.

پس پرسیده میشود که آیا امکان ایجاد یک تکیه گاه سیاسی مردمی که خدمتی برای بهبود وضع انجام دهد وجود دارد؟ به نظر من بلی.

پوتنسیل نیروهای سازنده چنین یک تکیه گاه عظیم است. به گونه مثال انسانهای رسالتمندی که در نهضت آینده افغانستان گرد آمده اند یکجا با محافل وطن دوست و چپ اندیش مانند کمیته انسجام ح.د.خ.ا در دنمارک ، کمیته انسجام

حزبی های سابق در هامبورگ ، دانشمندان و قلم به دستان دموکرات و مترقی که در رسانه های طباعتی و الکترونیکی برون مرزی آثار گرانبهای می آفرینند، روشنفکران آگاه و متعهد که سایت های انترنیتی و نشرات برون مرزی داری سمت گیری چپ را گرداننده گی میکنند و هزاران رزمنده ح.د.خ.ا در داخل و خارج کشور که تا هنوز پیوندی با سازمانهای سیاسی ندارند، همه با هم نیروی عظیمی را به وجود می آورند که میتوانند یک سازمان نیرومند چپ را پایه گذاری کنند. اگر نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی راه چپ اندیشی را به گونه سالم و اصولی انتخاب کرده و خود را از عناصر منحرف و معامله گر که با سو استفاده از احساس و عواطف انسانهای صادق ، این سازمان را به گروگان گرفته اند جدا سازد دیری نخواهد گذشت که خانواده بزرگ دموکرات های چپ پا به عرصه وجود خواهد گذاشت و از آن حزب زحمتکشان افغانستان قامت بلند خواهد کرد.

نگارنده را نظر چنان است که اگر نیروهای چپ به ایجاد حزب شان توفیق یابند، این حزب باید نه در خارج بلکه در داخل افغانستان پایه گذاری شود. زیرا طوریکه در نوشته قبلی ام اشاره کردم مردم در افغانستان و حزبش در جای دیگر حرفیست بی معنی.

این خاک چه قشنگ است ولی خاک وطن نیست

این خانه زیباست ولی خانه من نیست

اگر عده اخذ جواز رسمی فعالیت را طرح میکنند و میگویند که باید منتظر بود تا زمینه مساعد شود ، باید بدانند که صدها حزب سیاسی در دنیا ، در اختفاء پایه گذاری شده سالهای طولانی مبارزه مخفی نموده اند و نیازی نداشتند تا از حکومت های پوشالی و ضد مردمی مانند حکومت کنونی افغانستان جواز فعالیت اخذ کنند. (ح. د.خ.ا هم نه در تالار قصر ستور وزارت خارجه اساسگذاری شده بود ، نه امنیت نخستین جلسه آنرا نیرو های ایساف تامین کرده بودند و نه از کسی اجازه فعالیت گرفته بود).

از جانب دیگر حزب آینده اگر حزب مردم افغانستان ، حزب سوسیالیست افغانستان ، حزب فراگیر توده ای افغانستان، حزب زحمتکشان افغانستان، حزب تهی دستان افغانستان و یا هر نامی که برایش انتخاب میشود، ضرورت ندارد تا کنگرهٔ اساگذار مجللی در تالار انستیتوت پولیتخنیک و یا بالروم هوتل انترکانتی نینتال دایر نماید ، بلکه کافی است تا جمعیت کوچکی از شایسته ترین نماینده گان انتخابی از داخل و خارج کشور در محلی در داخل افغانستان تجمع نمایند و تولد حزب جدید را نوید دهند بعدا راهی ولایات و ولسوالی ها شوند و شبکه های سراسری فعالیت حزب را ایجاد نمایند تا باشد که حزب جدید با قوت و قدرت خود به مثابه یک نیروی سیاسی بالقوه در حیات سیاسی کشور ظهور نماید. اگر چنین شود نه پلیس جهادی و نه امر بالمعروف نهی از منکری میتواند در برابر قدرتی که از میان خلق برخاسته است تاب مقاومت بیاورد.

آنهاییکه ملاحظه های امنیتی را بهانه قرار داده میگویند که باید منتظر بود تا پلیس جهادی جامه عوض کند و دموکراتیک شود که جان رفقا را خطری تهدید نکند بهتر است در بستر گرم و نرم خود باقی بمانند و باعث درد سر دیگران نشوند.

تشویش مکن راه مگو پر خم و پیچ است

این جادهٔ رزمست همش در خم و پیچ است

در جادهٔ هموار دویدن هنرش چیست

مردانه دویدن هنرش در خم و پیچ است

در خاتمه باورد کامل دارم که فرزندان رسالمتند مردم افغانستان در هر کجای کشور و دنیا که هستند چه اندیشمندانه نهضت آینده را ساخته اند یا بر مبنی عواطف و روابط قدیمی به نهضت فراگیر ترقی و دموکراسی کشانیده شده اند و یا

هنوز برای دریافت راه معقول مبارزه سیاسی سرگردان اند میتوانند بالاخره زبان
مشترک بیابند و به خاطر راه و آرمان مشترک مبارزه کنند.

www.ayenda.org